

• دریافت 90/9/1

• تأیید 91/4/13

## مجمع البحرين معنی

بررسی شیوه شاعری و مضامین شیعی حسن کاشی

محمود مهرآوران\*

فرج الله نعمتی\*\*

### چکیده

شعر آیینی فارسی در مسیر طولانی خود، شاعران توانایی را به خود دیده است. یکی از آنان حسن کاشی، از شاعران شیعه قرن هفتم و هشتم هجری است. وی به غیر از مدح و منقبت خاندان رسول اکرم (ص)، بویژه امیر مؤمنان، حضرت علی (ع) شعری نسروده؛ از این رو، وی را شاعر امیرالمؤمنین می‌نامیم. اشعار وی از منظر محتوا و مضامین، ترکیبات زبانی و سهولت بیان، دارای اهمیت ویژه‌ای است. با توجه به غلبه شاعران اهل تسنن در قرن هفتم و هشتم، و نیز نقش حسن کاشی در گسترش تشیع در ایران، بررسی اشعار وی شایسته و بایسته می‌نماید. هدف این مقاله بررسی شیوه شاعری و مضامین شیعی در اشعار حسن کاشی است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تنگناها و سخت‌گیری‌ها، شعر شیعی در قرون هفتم و هشتم، مانند قرن چهارم، پنجم و ششم، پویا بوده و حسن کاشی با بهره‌گیری از اندیشه شیعی، در وصف حضرت علی (ع) و پرداختن به مضامین شیعی در حیطه مضمون‌سازی، صور خیال و حیطه زبانی، شاعری توانا بوده و اشعارش منحصر به فرد است.

### کلید واژه‌ها:

حسن کاشی، شعر شیعی، مضامین شیعی، ترکیبات زبانی، صور خیال، قرن هفتم و هشتم.

[mehravaran72m@yahoo.com](mailto:mehravaran72m@yahoo.com)

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم  
\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

## مقدمه

در تاریخ طولانی ادبیات فارسی، موضوعات دینی و مذهبی، یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های معنوی برای تغذیه فکری شاعران بوده است. فرهنگ دینی و تبلیغ و ترویج موضوعات و باورهای دینی یا دست کم تلمیح و اشاره به آنها در شعر بیشتر شاعران دیده می‌شود. به مجموعه اشعاری که در ترویج دین و یا مدح و مرثیه اولیای دین اسلام باشد، ادبیات آیینی می‌گوییم. البته نحوه پرداختن و تأکید شاعران بر موضوعات دینی از گذشته تا کنون تفاوت دارد. مذهب غالب، فرهنگ جامعه، حکومت‌های وقت و اعتقاد و شخصیت شاعر، هر یک در نحوه پرداختن به شعر دینی مؤثر است. اما استفاده از ابزار هنری شعر، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای شاعرانی بوده است که باور عمیق دینی و تعهدی سازنده و با نشاط داشته‌اند. حسن کاشی، شاعر قرن هفتم و هشتم هجری، یکی از شاعرانی است که تمام هنر شاعری و ذوق و قریحه خویش را در خدمت دین و ترویج مذهب شیعه، بویژه در ستایش مولا علی (ع) به کار گرفته است. این که شاعری همه مضامین شعر خویش را به یک موضوع منحصر کند، بسیار نادر است. این شاعر مضمون‌سازی، تصویرآفرینی، ترکیب‌سازی و خلاصه همه فنون شاعری و ادبی را در خدمت همین موضوع، یعنی «اهل بیت پیامبر(ص)» قرار داده است.

شعر حسن کاشی در آغاز گسترش تشیع در ایران مورد توجه و اقبال علاقه‌مندان به این مذهب بوده، در محافل و مجالس خوانده می‌شده است و مدیحه‌خوانان اشعار وی را به خاطر می‌سپرده و می‌خوانده‌اند؛ همچنین در زمان وی، به منزله یک رسانه در تبلیغ و ترویج تشیع در ایران مؤثر بوده است. بی‌گمان دانش و تقوا و اعتقاد راسخ حسن کاشی به ولایت و امامت علی (ع) از یک سو، و قوت طبع و استحکام شعر او از سوی دیگر، در تأثیر کلام وی نقش داشته است.

## پیشینه تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی شیوه شاعری و مضامین شیعی در اشعار حسن کاشی است. در این باره پیش از این، تحقیق مستقل و در خور توجهی صورت نگرفته و این پژوهش در نوع خود تازه است. زیرا درباره حسن کاشی تنها می‌توان به برگزیده اشعار وی اشاره کرد که در سال 1382 به کوشش علی اصغر شاطری انجام یافته است. دیوان حسن کاشی به تصحیح سید عباس رستاخیز در سال 1388 چاپ شده و مقاله‌ای از دکتر حداد عادل که در نقد دیوان حسن

کاشی در سال 1389 نوشته شده که در هیچ کدام از این‌ها، به موضوع مورد بحث مقاله حاضر پرداخته نشده است.

### معرفی حسن کاشی

مولانا حسن کاشی، «شاعر امیرالمؤمنین»، امامی‌مذهب و از مداحان و منقبت‌خوانان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. وی به احسن المتکلمین ملقب است. زیرا در اشعار خود با استدلال قوی و استفاده از کلام شیعی، به اثبات حقانیت خاندان پیامبر پرداخته و شعری به غیر از مدح و منقبت خاندان رسول اکرم (ص)، بویژه امیر مؤمنان، حضرت علی (ع) نسروده است. «حسن کاشی در آمل مازندان متولد شده و در سلطانیة زنجان مدفون است و مقبره و بارگاهی با عظمت دارد» (صفا: 1378، : 745). درباره ولادت و وفات کاشی، در تذکره‌ها تاریخ دقیق و صریحی ذکر نشده، اما دکتر صفا با توجه به قرائنی از شعر وی 658-721 را سال‌های زندگی وی تخمین زده است (همان) و در دیوان حسن کاشی سال‌های 680-738 ضبط شده است (کاشی، 1388، : 23).

### آثار

از مولانا حسن کاشی آثار و تألیفاتی به جا مانده؛ از آن جمله است: 1. دیوان اشعار (شامل 57 قصیده، 2 ترکیب‌بند، 2 ترجیع‌بند، 2 غزل، 2 رباعی و 4 مسمط) 2. تاریخ محمدی (تاریخ منظوم چهارده معصوم)؛ که البته در تصحیح دیوان حسن کاشی در مقدمه دیوان، با دلایلی انتساب آن به وی رد شده است. مأخذ این اثر به نثر و از خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی است 3. معرفت نامه در علم کلام (منسوب به کاشی) 4. هفت بند 5. کتاب الانشاء مشتمل بر علم و ادب و شعر و حکمت (منسوب). درباره هفت‌بند کاشی باید گفت که از آثار جاودانه ادب پارسی است و شاعران بسیاری به اقتفای او و در استقبال از هفت‌بند وی، هفت‌بند سروده‌اند که از جمله آنان می‌توان محتشم کاشانی، فیاض لاهیجی، عرفی شیرازی، صابر تبریزی، امیر رفیع الدین میرحیدر معمای، نعمتی کاشانی و حسن عاطفی را نام برد. (کاشی، 1382، : 8). برای اطلاع بیشتر در این باره می‌توان به کتاب «هفت‌بند، هفتاد بند» مراجعه کرد (هندی: 1388، : 30).

محتشم کاشانی درباره جایگاه هفت‌بند حسن کاشی می‌سراید:

فصیح بلبل خوش‌لهجه، کاشی مداح، که بود روضه‌آمل از او ریاض ارم

به مدح شاه عدوبند از مهارت طبع  
 اگر به سرّ خفی بود، اگر به وجه جلی  
 چه داد سلسله هفت بند، دست به هم  
 برای او صله‌ها شد ز کلک غیب رقم  
 (دیوان حسن کاشی، 5)

مولانا حسن کاشی علاوه بر هفت‌بند معروف خود، ترکیب‌بند دیگری نیز دارد که آن هم در مدح امیر مؤمنان و شامل هفت رنگ است. در این ترکیب‌بند این رنگ‌ها به صورت قافیه آمده‌اند: سفید، سبز، سرخ، زرد، بنفش، کبود، و سیاه. مطلع هر بند چنین است:

باز از شکوفه گشت فراز چمن سفید  
 اطراف دشت گشت چو برگ سمن سفید  
 شد جویبار و باغ به فصل بهار سبز  
 آری به نوبهار شود جویبار سبز  
 صانع چو رنگ کسوت گل آفرید سرخ  
 طغرای کارنامه حسنش کشید سرخ  
 نرگس ز چشم توست گرفتار درد، زرد  
 بر خاک ره نشسته چو بیمار فرد، زرد  
 وقت است کز بنفشه شود بوستان بنفش  
 گردد بنفشه‌وار خط دوستان بنفش  
 گشت از سنان و تیغ تو روی سما کبود  
 سختی زخم می‌کند اندام را کبود  
 ای کرده نوک کلک تو روی قمر سیاه  
 آن کیست در میان که نکردست سر سیاه؟  
 (دیوان، 168-171)

«این نکته مسلم است که کاشی ذوق خود را وقف مدّاحی خاندان رسالت کرده و از مدح این و آن معترض بوده و این اعتراض، به علت اعتقاد خالص وی به آل علی (ع) بوده است و گر نه با مقام بلندی که در شعر داشته، امکان انتساب به دربارها و دستگاه‌های ریاست برایش وجود داشت. وی حاضر نبود چون دیگران از دیوان‌های کهنه صد هزار اشکال فراهم آورد و به هم پیوندد و بدان ارتزاق کند و نام جوید. از این روی، به تصریح نویسندگان احوالش، زندگانی را به صلاح و تقوا و قناعت و به مدح پیشوایان مذهب تشیع می‌گذرانید و شهرت او در این راه، چندان بود که برایش قائل به کرامت شده‌اند.» (صفا: 1378، 747).

حسن کاشی، خود درباره علت روی نیاوردنش به مدّاحی پادشاهان و امیران، و بلندهمتگی خود و نیز اختصاص دادن شعرش به خاندان نبوت چنین می‌سراید:

نیام زان‌ها به حمدالله که در بازار مدّاحی  
 بریزم خون دیوان‌ها به نظم و قطعۀ آسان  
 ز بی آبی بود گر کس تیمم را دهد رخصت  
 مرا خود کی روا باشد تیمم بر لب عمّان؟  
 زجام ساقی کوثر نه آن سیراب‌طیعم من  
 که پویم راه تاریکی برای چشمه حیوان  
 مرا یاران نیکوخواه صلایی داده گه‌گاهی  
 که چند از دست درویشی بری اندوه بی‌پایان؟

توبالین طبع واین فکرت چرا باشی دراین محنت  
 به ممدوحان خود یک ره برو برخوان و زربستان  
 جوابش را نمی دانم زهی بالای خاموشی  
 که خاموشی است دانا راجواب مردم نادان  
 مرا از مدحت آن شاه دیوانی است پر معنی  
 یکایک بیت او زبینه توقیع بر دیوان ...  
 چو دست لطف ربّانی گریبان دلم بگرفت  
 ز مهمان خانه دنیا کشیدم پای در دامن  
 (دیوان، 135)

همچنین درباره این که شعری جز مدح خاندان نمی سراید، گفته است:

من غلام حیدر و آن گاه مدحی غیر  
 خواجگان حشر کی معذور داردم بدین (کاشی، برگزیده اشعار، 109)

و خود به توانایی شاعری و اهمیت معنی شعرش این گونه اشاره می کند:

چون خضیر پرورده آب حیاتم، زان بُود  
 مجمع البحرین معنی در دل سینای من (همان، 98)

نقش حسن کاشی را در گسترش عقاید تشیع، مانند نقش و اهمیت علامه حلّی و محقق کرکی دانسته اند؛ به گونه ای که میرزا عبدالله افندی، کتاب شناس برجسته عصر صفوی، در ریاض العلماء و حیاض الفضلا می نویسد: «المولی حسن بن [...] الکاشی، فاضل عالم، محقق، شاعر مدقق، منشی ماهر، و هو الشیخ علی الکرکی بل العلامة الحلّی ایضاً فی نشر مذهب الشیعه سوا...؛ ملاً حسن بن [محمود] کاشی. وی فاضلی عالم و محقق شاعر و مدقق منشی و ماهر بود. او و شیخ علی کرکی و بلکه علامه حلّی در نشر مذهب شیعه برابر بوده اند.» برای آن که کاشی هم حق بزرگی به گردن مردم داشته، از جهت آن که آنها را به راه حق هدایت و به آیین شیعه رهبری کرده است و به همین مناسبت، ... عامّه [اهل سنت] از گذشته و حال با وی دشمنی می کرده اند و او را سرآغاز حدوث مذهب شیعه در دولت صفویّه یا در روزگار سلطان محمد اولجایتو خداپنده می دانسته اند... (حدّاد عادل، 1389، 24-25).

نکته مهمی که با خواندن اشعار حسن کاشی در دیوان وی به دست می آید، این است که قصاید وی در مدح امیرمؤمنان و خاندان وی، در عین حال که محکم و بی عیب است، بر خلاف قصاید شاعران درجه اول پیش از وی، دچار تعقید و تکلف نیست، بلکه به فهم مردم نزدیک است. در مجموع زبان شعر او جز اندکی از کلمات یا ترکیبات، بسیار روان و حتی نزدیک به زبان امروز است. اما گاهی کلمات عربی کم کاربرد را به اقتضای نوع قصیده ها به کار برده است. کلماتی مانند: منضد، مهتد، مرمد، که قافیّه شعر ساخته و همین امر در مواردی شعرش را سنگین کرده است. همچنین قصیده های شماره 33 و 34 او نیز دارای کلمات قافیّه سنگین است. اگر سخن میرزا عبدالله افندی را در تأثیر شعر او در تبلیغ و ترویج تشیع در ایران به یاد آوریم، می-

توانیم بگوییم مخاطب شعر حسن کاشی مردم بوده‌اند و او با احساس تعهد در دفاع از حق امیرالمؤمنین (ع)، آگاهانه آنچنان شعر می‌سروده که مردم بفهمند و بیسندند و با خود و بر دیگران بخوانند. غرض او از شاعری، نشان دادن تسلط بر فنون و صناعات ادبی نبوده، بلکه او شعر را همچون ابزاری یا رسانه‌ای در خدمت اعتقادات خود به کار می‌گرفته است. در احوال حسن کاشی ذکر این نکته نیز مهم است که او هم مانند ناصر خسرو، در مقطعی از حیات خود، به توبه و انقلاب حال روی آورده و راه و رسم تازه‌ای برگزیده است. وی در ضمن قصیده‌ای به مطلع:

مرا خدای جهان داده دولتی منصور که شرح شمه آن دولتی است نامحصور  
در چهارده پانزده بیت، به احوال زندگانی خود قبل از آن که شعر خویش را یکسره موقوف  
مناقب و مدایح امیر مؤمنان کند، اشاره دارد که حاکی از این انقلاب روحی است. وی می‌سراید:  
مرا که اول حالت بدان صفت بودم که از خجالت آن شرح نیستم به حضور  
شده به فرط معاصی چنان که گویی نیست مقام معصیت الا ز نفس من معمور...  
تا آن جا که می‌گوید:

اگر نه مهر نبی بودی و ولای علی مرا خلاص که دادی از آن بلای شرور  
چنان که پیشه پیشینیان شد، اندر داد ندای آیت «توبوا الی الله» از لب حور  
چه گفت؟ گفت: به مدح علی گرای که نیست فزون از این به دو عالم سعادت موفور  
(دیوان، : 98)

حسن کاشی در ادب فارسی، شاعری درجه اول محسوب نمی‌شود، اما از این حیث که به جای شاهان و قدرتمندان، مردم را مخاطب خود دانسته و شعر محکم و مثنی خویش را با غیرت و حمیت شیعی، در روزگاری خطیر یک‌سره صرف اعتلای کلمه حق و دفاع از امامت و ولایت امیر مؤمنان و فرزندان معصوم وی کرده، در تاریخ شعر و ادب آیینی ما قدر و منزلتی شایسته دارد.

### مضامین شیعی در اشعار حسن کاشی

با توجه به این که این شاعر تمام هنر شعری خویش را در خدمت مذهب شیعه و مولا علی (ع) قرار داده، مهم‌ترین ویژگی شعر او نیز همین مضامین هستند. شعر شیعی، هم مدیحه دارد، هم مرثیه و هم حماسه. از این رو در آینه شعر شیعی، تصویری از فضیلت‌ها و مظلومیت‌ها و در عین

حال جلوه‌هایی از حماسه را مشاهده می‌کنیم. در میان اشعار گوناگون، آنچه به مقوله‌هایی همچون: ولایت علی بن ابیطالب و اولاد معصومش (ع)، محبت ذوی القربی، فضایل، مناقب و مراثی عترت پیامبر اکرم (ص) و مسائل کلامی شیعه و امثال آنها مرتبط گردند، به نوعی «شعر شیعی» محسوب می‌شوند. در ادامه به مواردی از مهم‌ترین مضامین شیعی در اشعار حسن کاشی اشاره و برای هر کدام، نمونه یا نمونه‌هایی ذکر خواهد شد.

### 1. غدیریته، ولایت و وصایت علی بن ابیطالب و اولاد معصومش (ع):

وصی احمد مرسل، امام خلق دو عالم که گشت بر ره یاجوج فتنه خنجر او سد  
همو که داد نبوت به مصطفاش، همو کرد به فر بازوی حیدر سرای شرع مرمد  
ز تاجدار «لعمرك» جدا مکن تو علی را که حق اوست ز بعد نبی نیابت احمد  
جدا کند ز بهشت برین خدای مر او را که او ز جهل، علی را جدا کند ز محمد  
چه اختلاف کنی با شاهی که در صفت او خدای پاک به قرآن نمود معنی بی حد  
خجسته شوهر زهرا تویی و باب دو گوهر به اتفاق دو عالم گزین سید اوحده  
(همان، 81)

### 2. مدح و منقبت امام علی و ائمه معصوم (ع)

حضرت علی (ع) هم‌نفس پیامبر اسلام است و یازده معصوم پاک از نسل وی و حضرت فاطمه زهرا (س) هستند. ایشان شفیع گناهکاران در روز جزایند:  
زان که هم‌نفس پیمبر بود از آن دادش خدای پاره‌ای از نفس پیغمبر ورا جفت گزین  
گوهر دریای عصمت، فاطمه، کز رتبتش آفرین بر جان پاکش باد از جان آفرین  
یازده معصوم پاک از نسل ایشان دان که نیست در قیامت غیر از ایشان کس شفیع‌المذنبین..  
(دیوان، 137)

### 3. حماسه عاشورا

در ماتم حسین (ع) باید از سحاب دیده بارید. در حسن تعلیلی لطیف می‌گوید که از ناودان دیده کعبه نیز در این عزا آب زمزم جاری است:  
ای دل کنون که عاشر ماه محرم است شادی مکن که نوبت شادیت در غم است  
بر آل مصطفی به ارادت بنال زار گر در سحاب دیده تو را قطره‌ای نم است

از ناودان دیده کعبه در این عزا بر روی خاک مگه همه آب زمزم است  
(دیوان، : 74)

#### 4. تولی و تبری

دوستداری و ولای علی (ع) موجب برکنار ماندن از بیم صراط و موقف حشر است و باعث پذیرفته شدن در حضرت عزت:

بیم صراط و موقف حشرش کجا بود؟ هر دل که بر ولای علی زینهار کرد  
صاحب قبول حضرت عزت کسی بود کز دوستیش بر ورق دل نگار کرد  
(همان، : 86)

ولای علی (ع) نصیب کسی است که مادر او پاکدامن باشد. جان شاعر به مهر علی (ع) زنده است و هنگام مرگ با دیدن روی او جان خویش را نثار می کند. دوستداران علی (ع) از آتش دوزخ در امانند. زیرا که دشمنان او برای پر شدن دوزخ بسنده اند:

نصیب سینه آن کس بود ولای علی که مادرش بده باشد درون ستر و عفاف  
به مهر اوست مرا زنده جان و آخر عمر به روی او بدهم با هزار استعفاف  
موالیان علی را چه کار با آتش که دشمنان وی از بهر دوزخ اند کفاف  
(دیوان، : 119)

اعتقاد به جانشینی بلافضل علی (ع)، مایه راستی در دین مسلمانی است؛ مسلمانی ای از نوع مسلمانی سلمان فارسی. مخالف او اگر از نسل پیامبر هم باشد، خطاب خداوندی درباره وی این است که از دایره خاندان نبوت بیرون است:

هر که بعد از مصطفی با مرتضی دارد وفا در ره دین مسلمانی چو سلمان می رود  
وان که باوی درخلاف آمد، گر از پشت نبی است در خطابش «لیس من اهلک» چو کنعان می رود  
(همان، : 88)

#### 5. شفاعت

در مذهب شیعه، ائمه اهل بیت بعد از پیامبر اکرم (ص) و انبیا، بزرگ ترین شافعان روز قیامت محسوب می شوند:

یازده معصوم پاک از نسل ایشان دان که نیست در قیامت غیر از ایشان کس شفیع المذنبین (همان، : 137)  
عذر این مُشتی گنه کاران امت را بخواه چون شفیع جرم مایی، یا علی موسی الرضا



گر شوی شافع، همه اولاد آدم را دهد ایزد از دوزخ رهایی، یا علی موسی الرضا  
(همان، 58)

### 6. ظهور منجی

ظهور منجی عالم بشری از اعتقادات ادیان و مذاهب مختلف است. در نظر شیعه، ظهور «شیرمرد آخرین»، «مهدی آخرزمان» زمانی روی خواهد داد که جهان را ستم ستمگران فراگرفته باشد:

آن قائم صاحب‌مکان آن خسرو صاحب‌قران، آن منعم صاحب‌عطا  
ای حجت راه هدی، رای تو را جان‌ها فدا در ده ظهورت را ندا، بیرون خرام از متکا  
برگیر رسم بد ز ره، در ملک دین‌زن تختگه چون صبح صادق کش‌سپه، برام انجم زن لوا  
غلغل به عالم درفکن، گردن‌کشان را سرفکن بیخ مخالف برفکن، درد موافق کن دوا  
(دیوان، 57)

### 7. آیات نازل شده در شأن حضرت علی و اهل بیت (ع)

در دیوان حسن کاشی با استناد، اشاره، اقتباس و تلمیح به آیات قرآنی، مولا علی (ع) توصیف و از حق آن حضرت دفاع شده است. نمونه‌ها:

7-1. آیه ولایت: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکوة و هم راکعون» (مائده: 55).

رساله کرمش را ز «انما» توقیع طراز آیه قدرش ز سوره اعراف (همان، 118)  
دیده ارباب معنی از سر علم الیقین «انما» در حق او از نص قرآن یافته (همان، 150)

7-2. آیه هل اتی: البتّه منظور از «هل اتی» دو آیه‌ای است که در سوره انسان قرار دارد و با «هل اتی» شروع می‌شود. «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمات و اسیرات. انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا» (انسان: 8-9).

اندر اخبار «انت منی» آیه توقیع اوست در کلام الله منشور کمالش «هل اتی» است (دیوان، 60)  
وی را ز «هل اتی» کمر از انما قبا پوشید و بعد از احمد فرمان‌گذار کرد (همان، 86)  
علی بُد آن که رسول الله «انت منی» گفت علی بُدان که خدا گفت «هل اتی» اش اوصاف (همان، 118)

3-7. آیه مباحله: «فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين» (آل عمران: 61).  
 بر قد قدرش قضا پیراهنی می داد ساز کز لطافت در نظر چون عقل پنهان می رود  
 تار آن از «قل تعالوا»، پود آن از «نما» نقش او زین سان که در «حزاب» و «انسان» می رود  
 (همان، : 87)  
 عَلم «قل تعالوا» اش بر دوش خلعت «أنى اعلم» اش در بر (همان، : 104)  
 صفات فضل مشهورش ز نص «قل تعالوا» جو جزای جود مسرورش بخوان در سوره انسان (دیوان، : 134)

4-7. آیه تطهیر: «... أنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا» (حزاب: 33).  
 آیت تطهیر مذهب، «عنکم الرجس» اندر او چون تجلی بر که سینا درخشان می رود (همان، : 87)

5-7. آیه صادقین: «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» (توبه: 119).  
 طراز جامه صبرش ز نص صابرين بنگر جواز نامه صدقش ز روی «صادقين» برخوان (دیوان، : 134)  
 6-7. آیه: «يوفون بالنذر و يخافون يوماً كان شره مستطيراً» (انسان: 7).  
 صاحب «يوفون بالنذر»، آفتاب «نما» قرّة العين «لعمرك» نازش روح الامین (همان، : 163)

## 8. روایات صادر شده در شأن امیر مؤمنان و اهل بیت (ع):

1-8. حدیث منزلت: «يا على انت منى بمنزله هارون من موسى الا انه لا نبى بعدى» (بحار الانوار، ج 28، : 221).  
 اندر اخبار «انت منى» آیه توقیع اوست در کلام الله منشور کلامش «هل اتى» است (همان، : 60)  
 على بُد أن که رسول الله «انت منى» گفت على بُدان که خدا گفت «هل اتى» اش اوصاف (همان، : 118)  
 2-8. حدیث از رسول اکرم (ص): «انا مدينة العلم و على بابها» (مالی صدوق، : 343).  
 آن کو بلاد کفر ز تیغش خراب گشت آن کس که بر مدینه علم نبی در است (دیوان، : 72)

3-8. حدیث از رسول اکرم (ص): «یا علی لحمک لحمی و دمک دمی و حربک حربی» (احتجاج (ترجمه غفاری مازندرانی)، ج 2، : 75).

قال النبی «لحمک لحمی یا علی» صلوا علی محمد و صلوا علی علی (همان، : 152)

4-8. حدیث از رسول اکرم (ص): «لضربه علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» (الاقبال، : 467).

آن کس که روز خندق یک ضرب خنجرش با طاعت خلیق عالم برابر است (همان، : 72)

آن که اندر روز خندق ضربت شمشیر او با ثواب جنی و انسی برابر کرده‌اند (همان، : 83)

5-8. حدیث از زبان جبرئیل: «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» (بحار الانوار، ج 21، ص 40).

زبان روح قدس جمله «لافتی» گفتی چو مرتضی که به کین تیغ برزدی ز غلاف (همان، : 117)

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین وی ز عزت مادم بازوی تو روح الامین (دیوان، : 136)

«لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» از ثنای کردگارت مدح در شان یافته (همان، : 149)

6-8. حدیث از حضرت علی (ع): «لو کشف الغطاء ما ازدت یقینا» (بحار الانوار، ج 46، : 135).

این سخن نشان دهنده عرفان والای علی (ع) و کمال شناخت او از پروردگار است.

مقام «لو کشف» از جمله خلقان کسی را هست، با من گوی یا نیست؟ (همان، : 66)

7-8. حدیث از امام علی (ع): «سلونی قبل ان تفقدونی» (امالی صدوق، : 133)

عالم علم «سلونی»، شهسوار «لو کشف» ناصر حق، نفس پیغمبر، امام الممتقین (همان، : 163)

«سلونی» با «قیلونی» برابر همی دانی، تو را شرم از خدا نیست؟ (همان، : 66)

گفتنی است «قیلونی»، اشاره دارد به قول ابوبکر، خلیفه دوم، که گفت: اقیلونی، اقیلونی؛

لست بخیر کم و علی فیکم (بحار الانوار، ج 10، : 28).

8-8. حدیث از خلیفه دوم در اعتراف به مدیون بودنش به حضرت علی (ع): «لولا علی لهلک

عمر» (الکافی، ج 7، : 423).

اگر «لولا علی» یک‌ره علی گفتی، چو او صد ره نبودی هیچ شیعی را به حیدر میل در دوران (دیوان، : 135)

توضیح این مطلب ضروری می‌نماید که این بیت اشاره به تواضع حضرت علی (ع) دارد و معنای بیت چنین است که: اگر علی (ع) یک بار خود می‌گفت لولا علی (اگر علی نبود)، آن گونه که او (عمر) صد بار گفت، در آن صورت هیچ شیعی را در روزگاران به سبب این تعریف از خود، هیچ میلی به حضرت علی (ع) نبود.

یاران خاص حضرت پیغمبر خدای «لو لا علیت» بر سر منبر نوشته‌اند: دیوان، : 93)

8-9. حدیث درباره فضیلت زیارت امام رضا (ع): امام کاظم (ع) فرمود: «هر که قبر فرزندم، علی، را زیارت کند، برایش نزد خدای - عزّ و جلّ - هفتاد حجّ مبرور (پذیرفته) است ...» (امالی صدوق، (ترجمه کمره‌ای)، : 120) و ....

یک زیارت مر تو را هفتاد حجّ اکبر است بی خلاف و بی ریایی یا علی موسی الرضا (دیوان، : 58)  
یک طواف درش از قول رسول قرشی تا به هفتاد حج نافلة یکسان آمد (همان، : 91)

#### 9. اشاره به رویدادهای صدر اسلام:

در تاریخ صدر اسلام رویدادهایی وجود دارد که حاکی از عظمت اهل بیت پیامبر اکرم (ص)، بویژه علی (ع) و حضور ایشان در صحنه‌های مختلف و نیز مظلومیت‌شان است. از میان آنها می‌توان به این رویدادها اشاره کرد: مباحله، لیلۃ المبیّت، جنگ اُحد، خیبر و خندق، زاده شدن حضرت علی (ع) در کعبه، ردّالشمس.

شایان ذکر است به برخی از این موارد پیشتر اشاره شد. اینک ذکر مواردی از این رویدادها در اشعار حسن کاشی:

#### 9-1. کنده شدن در خیبر به دست امام علی (ع):

آن کس که او برید سر از عمرو و ذوالخمار آن کو کتندۀ در فولاد خیبر است (دیوان، : 72)  
رایت به سوی خیبر و آیت به مکه برد وین هر دو بر اشارت پروردگار کرد (همان، : 85)  
شرع را بر پای کرده دست خیبرگیر تو عرش را بر سر نهاده دست تو پای کمال (همان، : 122)

#### 9-2. لیلۃ المبیّت:

بر بستر رسول بخت و نداشت باک جان را فدای خواجه روز شمار کرد (همان، : 85)

## 3-9. پا بر شانهٔ پیامبر نهادن علی (ع) برای شکستن بت‌ها:

جز او که بود که پای به کتف نبی نهاد کافلاک و هر دو کون ز نورش منور است (همان، : 72)  
 سزای منبر احمد کسی بود که قدومش بود به فخر سزاوار کتف سید امجد (همان، : 81)  
 تخت‌گاه رتبتش برتر زعرش آن روز شد کز شرف معراج او دوش پیمبر کرده‌اند (همان، : 82)

## 4-9. تغییر قبله به هنگام نماز و حضور علی (ع) در آن:

با رسول الله تو کردی در دو قبله یک نماز زُهره از بهر تو آمد ز آسمان‌ها بر زمین (همان)

## 5-9. ماجرای سقیفهٔ بنی ساعده:

حجت نص از امامت داشت لیکن گم‌رهان اختیار خود فزون از نص اکبر کرده‌اند  
 تا نپنداری که کارش در امامت بُد چنان کان جماعت خویشتن بعد از پیمبر کرده‌اند  
 (همان، : 83)

## 6-9. زاده شدن علی (ع) در کعبه:

مادرش در کعبه زاد و کعبه را کعبش بسود زان که اندر طینتش از فضل مضمّر کرده‌اند (همان)

## 7-9. رد الشمس:

تا نگردد فوت از آن ماه معانی یک نماز باختر را مطلع خورشید خاور کرده‌اند (همان)

## 10. مسائل کلامی شیعه

## 1-10. توحید: عدم رؤیت خدا در دو عالم

به اعتقاد شیعهٔ امامیه، خداوند متعال را در دو جهان نمی‌توان دید و در قرآن کریم هر جا که تعبیر رؤیت به کار رفته (مثلاً قیامه/22-23)، منظور رؤیت قلبی است؛ امری که علمای شیعهٔ امامیه از شیخ صدوق تا علامه حلی و به تبع ایشان علمای متأخر همگی بر آنند. (احمدی بیرجندی، : 56).

آن خدایی را که بتوان دید، بیزارم از او و آن رسولی کاندرا او نوعی زعصیان می‌رود (دیوان، : 88)

## 2-10. عدل الهی:

همهٔ مسلمانان خدا را عادل می‌دانند و عدل یکی از صفات جمال الهی است. پایهٔ این اعتقاد آن

است که در قرآن کریم هرگونه ظلم از خدا نفی شده و او به عنوان «قائم به قسط» یاد گردیده است؛ چنان که می‌فرماید: «ان الله لا یظلم مثقال ذره» (نساء/40) و نیز می‌فرماید: «ان الله لا یظلم الناس شیئاً» (یونس/44) و همچنین می‌فرماید: «شهد الله انه لا اله الا هو والملائکه و اولوالعلم قائما بالقسط» (آل عمران/18). گذشته از آیات یاد شده، عقل به روشنی بر عدل الهی داوری می‌کند. زیرا عدل، صفت کمال است و ظلم صفت نقص. عقل بشر حکم می‌کند که خداوند همه کمالات را دارا و از هرگونه عیب و نقصی در مقام ذات و فعل منزّه است (سبحانی، 1389: 78):

ظلم بودی هرچه بر فرعون و هامان می‌رود	گر خدا بر کفر فرعون در ازل راضی بُدی
آیه «ثم استقاموا» بهر برهان می‌رود	عادل و پاک و منزّه دانم از شرک و فساد
روز محشر بسته با زنجیر شیطان می‌رود	هر که بر جان‌آفرین چیزی روا دارد از این
حجّتم قاطع‌تر از شمشیر برآن می‌رود	در ره توحید و عدل استاده‌ام مردانه من

(همان، : 88)

### 3-10. آزادی و اختیار انسان

انسان موجودی است مختار و انتخابگر؛ یعنی در پرتو عقل، پس از بررسی جوانب گوناگون فعل، انجام دادن یا ترک کردن آن را برمی‌گزیند. با توجه به عدل الهی، افعال انسان از روی اراده و اختیار او سرچشمه می‌گیرد:

خواه معشوقه را سرود فرست	خواه بر مصطفی درود فرست
بر بد و نیک هر دو دانایی	هر دو را قادر و توانایی
داد توفیق و دست‌تگاه فراغ	آرد انگور مر تو را در باغ
خواه در باده کن که هست وبال...	خواه در سرکه کن که هست حلال

(تاریخ محمدی، معرفت نامه، : 162)

### 4-10. افضلیت حضرت علی (ع) بر دیگر صحابه

حدیث غدیر، مدینه علم، مؤاخات و نیز شجاعت، علم و موارد دیگر که از طریق تسنن و بعضی از طریق تشیع نقل شده، همه دال بر افضلیت علی (ع) بر دیگر صحابه و حتی ائمه هدی و پیشوایان دین است:

بر این چنین شه والاتقدّم الاخلاف  
نه زخم خورده کز او عقل گیرد استکف  
فرو گذاری و آن گه زنی ز ایمان لاف  
چرا بُرون روی ای خواجه از ره انصاف؟  
(دیوان، : 118)

در کمال و فضل الأرحمۃ للعالمین (همان، : 136)

شناسد آن که شناسد که عقل نپسندد  
امام زخم زن و صف شکن شناس به حق  
کسی که نفس پیمبر بود به قول خدای  
یقین بدان که «سلونی» به از «قیلونی»

از همه اولاد آدم نیست همتای تو کس

#### 10-5. عصمت پیامبر و ائمه (ع):

اهل سنت، عصمت را مختصّ انبیا می دانند، ولی شیعه امامیه علاوه بر عصمت حضرت  
محمد (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س)، همه ائمه را از گناهان صغیره و کبیره بر کنار می دانند.  
دلیل بر وجوب عصمت پیامبر اکرم و ائمه معصوم (ع) این است که به کلام آنان وثوق و اعتماد  
بیش تری می شود و این امر از آغاز تا انجام باید به یک حال باقی بماند (دایره المعارف فارسی،  
ذیل عصمت).

کفر از این بدتر کجا باشد که دانی از گزاف کافر تائب، امام هر مسلمان یافته  
پاک و معصوم و مطهر بایدم در دین امام حکم جزم و راه دین از رب دیان یافته  
در دبیرستان عصمت از «سلونی»، روزگار نام آن عالی گهر عنوان دیوان یافته  
(همان، : 150)

#### 10-6. منصوص بون امامت علی (ع) و امامان بعد از ایشان

آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می نویسد: «ما معتقدیم که امام و جانشین پیامبر باید  
منصوص باشد؛ یعنی با تصریح و نصّ پیامبر (ص) و نیز تصریح هر امامی درباره امام بعد تعیین  
گردد» (مکارم شیرازی، : 79).

امام نصّ خدا باید و وصی رسول نه آن کسی که تو پیش داری اش به گزاف (همان، : 118)  
طریق اختیار خلق جایز نیست، گر بودی بُدی از احمد مرسل، بُدی از موسی عمران  
هر آن نایب که پیغمبر نشانند، مثل او باید که گرنوبد، خلل خیزد، هم از مرسل، هم از سبحان  
علی را فضل در عالم خدا دادست و پیغمبر که احمد دخترش دادست و ایزد خنجر بران  
(همان، : 134)

### صور خیال در اشعار حسن کاشی

طبعاً شاعری که یک موضوع را برای سرودن بر می‌گزیند، تصویرها، ترکیبها و حوزه بلاغی شعرش را نیز در خدمت همان معنی و در همان قلمرو قرار می‌دهد. از ویژگی‌های اصلی شعر، خیال‌انگیزی و تصاویر شعری است. شاعران برای آن‌که شعرشان به سحر حلال بدل گردد، از مباحث بلاغی همچون تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام، و تمثیل بهره می‌گیرند. کاربرد مباحث بلاغی به مقتضای سخن و به اندازه، حاکی از مهارت شاعر است. از این منظر اشعار حسن کاشی را به اجمال بررسی می‌کنیم. در این بررسی روشن می‌شود که همه تصویب‌سازی‌ها در خدمت موضوع اصلی، یعنی تشییع و امیرالمؤمنین است.

#### استعاره

شیر خدا، استعاره از علی (ع):  
 شیر خدا و ابن عمّ خاتم الرّسل      زوج بتول و باب دو سبطین از کیا (دیوان،: 54)  
 قلزم سخاوت و کشتی نجات:  
 آن قلزم سخاوت و آن کشتی نجات      آن کس که بیشه‌های خدارا غضنفر است (همان،: 71)

#### اغراق

خلاف رای تو گردون گذر نیارد کرد      کند امور تو را چون صدا هم‌آوازی (همان،: 157)  
 زنجیر پای خصم شدی حلقه رکاب      چون آن گران رکاب فکندی نظر به شست (همان،: 73)  
 ز باد قهرش بر چرخ بیم آن باشد      که خم شود الف خطاً استوا چون دال (همان،: 126)

#### ایهام تناسب

بین لب و دهان با صورت (در معنای به ظاهر):  
 از نقود گوهر معنی لبالب شد دهان      تا نهادی لب به صورت در دهان مصطفی (دیوان،: 165)

#### تشبیه

دبیرستان عصمت:  
 در دبیرستان عصمت از «سلونی» روزگار      نام آن عالی‌گهر عنوان دیوان یافته (همان،: 150)  
 سایه علی (ع) خورشید ربّ العالمین است. تشبیهی متناقض‌نما و پارادوکسیکال. حضرت،  
 بسان آسمان است، برای عزّ و تمکین و آفتاب است، برای عدل و آیین:  
 السّلام ای سایهات خورشید ربّ العالمین      آسمان عزّ و تمکین، آفتاب داد و دین (همان،: 163)



قدر امیر مؤمنان، چون باز است که هر جا بال جلال باز کرده، پرنندگان سدره را در زیر شهپر گرفته:

باز قدرت هر کجا بال جلالت کرده باز طایران سدره را در زیر شهپر یافته (همان،: 164)  
ذوالفقار علی (ع) مانند ابری است دریادل:

تیغ آن ابری است دریادل که فتح الباب آن تازه دارد ز آب نصرت بوستان مصطفی (همان،: 165)  
رای و اندیشه امیرمؤمنان شادروان و خیمه بزرگی است که عقل کل با همه بالانشینی به آن راه نبرده است:

با همه بالانشینی عقل کل نبرده راه زیر شادروان رایت یا امیرالمؤمنین (همان،: 166)  
ذوالفقار علی (ع) بسان مرغی طرفه است با دو منقار شگرف:

طرفه مرغی بود تیغش با دو منقار شگرف کاجری اش مجری زجان و نفس کافر کرده اند (دیوان، ص 84)

### تضاد

اوج و حضيض:

اوج گردون، حضيض قدر دربان امیرمؤمنان است. لذا نسبت قدر علی (ع) با اوج گردون شایسته نیست:

نسبت قدر تو را با اوج گردون چون کنم زان که اوج او حضيض قدر دربان شماست (همان،: 167)

### تلمیح

در دیوان کاشی، تلمیحات درباره پیامبران الهی، حوادث صدر اسلام و زندگی علی (ع) و گاهی شخصیت‌های اسطوره‌ای و پهلوانی و تاریخی است.

ماجرای سقیفه بنی ساعده و فزون و برتر دانستن گمراهان اختیار خود را بر نص خداوند اکبر: حجت نص از امامت داشت لیکن گمراهان اختیار خود فزون از نص اکبر کرده‌اند تا نپنداری که کارش در امامت بُد چنان کان جماعت خویشان بعد از پیمبر کرده‌اند (دیوان،: 83)

نفس مصطفی اشاره دارد به آیه مباهله (آل عمران / 61):

ای گزیده مر خدایت یا امیرالمؤمنین خوانده نفس مصطفایت یا امیرالمؤمنین (همان،: 166)  
تلمیح به رد الشمس:

بهر که بازگشت خور از چرخ چارمین جز او که آسمان تفاضیل را خور است (دیوان،: 72)

تلمیح به حدیث اخوت:

با مصطفی کسی که برادر بُود علی است در اصل هر دو را چه برابر نوشته‌اند (همان، : 93)

تلمیح به آیه 42 سورة یوسف :

سعی دستان ولای حیدرم از چاه حرص      جاه و دولت داد بعد از فتح بند آهنین  
چون نجات از دیگران جستم بماندم لاجرم      همچو یوسف در میان چاه غم سبع سنین  
(همان، : 139)

تلمیح به گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (انبیا/ 69):

کی محبان علی را آتش دوزخ رسد      چون به یاد او بر ابراهیم آتش گلشن است (همان، : 173)

تلمیح و تمثیل و ملمع:

پای ملخ به نزد سلیمان به هدیه شد      من نمله القلیل عطاء عفا علی  
من مثل مورم و تو شهنشاه عالمی      انئی ضعیف انت کریم العطا علی  
(همان، : 154)

### تمثیل

شاعر در پاسخ به یاران به ظاهر نیکوخواه که وی را برای خلاصی‌اش از وضع بی سامان به مدح و ستایش پادشاهان می‌خواندند، سروده است:  
جوابش را نمی‌دانم زهی بالای خاموشی      که خاموشیست دانا را جواب مردم نادان (همان، : 135)

### جناس

جناس قلب کل و تضاد: شرع/ عرش؛ دست/ پای:

شرع را بر پای کرده دست خیبرگیر تو      عرش را بر سر نهاده دست تو پای کمال (دیوان، : 122)  
جناس ناقص: مَهر/ مَهر:

هر که مَهر مَهر تو بر صفحه دل نقش بست      مخزن جان را چو کان از زر توانگر یافته (همان، : 165)  
جناس مرکب: تاجدار/ تاج دار:

تاجدار خلد خواهی تا شود فردا سرت      سوی بازار وفا امروز تاج دار باش (دیوان، : 171)

### سیاقه الاعداد

کی بود بدخواه حیدر، هر که او در دین بُود      صادق و پاکیزه‌دین و مؤمن و نیکوخصال (همان، : 125)

**طرد عکس**

یار نبی مصطفی، هست علی مرتضی  
 من نکنم اقتدا جز به علی در جهان  
 هست علی مرتضی، یار نبی مصطفی  
 کاشی مداح ما، مدحت ما می نویس  
 جز به علی در جهان من نکنم اقتدا ...  
 مدحت ما می نویس کاشی مداح ما  
 (همان، : 57-58)

**طنز**

این سعادت چون خدا دادش عدو گو می گذاز  
 ورنه میبرد آن یزیدی از حسد، گو می ترک (همان، : 122)

**مراعات نظیر**

تا بُود جان در تنم، گویم به دل مدح علی  
 رعایت تناسب بین بازار، نقد، قلب، زرانوده، سودا:  
 صبح وشام و روز و شب، ساعت به ساعت، ماه و سال (همان، : 125)  
 تا به بازار سخن نقد معانی می برم  
 آوردن عناصر اربعه و تناسب بین آنها:  
 قلب زرانوده بیرون ماند از سودای من (همان، : 145)  
 خصم شما از کیش بد، مانده در آتش تا ابد  
 در خاک، آب روی خود، آن بادپیما ریخته (همان، : 148)  
 تناسب بین نوا، پرده، عشاق، ساز از اصطلاحات موسیقی:  
 دلم دگر سخن از عشق می کند آغاز  
 نوای پرده عشاق می نماید ساز (همان، : 174)

**ترکیبات زبانی در اشعار حسن کاشی**

با توجه به موضوع شعر، شاعر ذهن و قدرت شاعری اش را برای آفرینش ترکیب‌هایی قرار داده که به موضوع شعرش تازگی و قدرت بیشتری ببخشد. در حیطه زبانی، حسن کاشی، شاعر امیرالمؤمنین (ع)، ترکیبات خاصی برای حضرت علی (ع) آورده که بسیاری از آنها ابداع اوست که برخی را در این جا ذکر می‌کنیم:

صورت معنی فطرت؛ باعث ایجاد خلق؛ سرفراز نسل آدم؛ نفس خیر المرسلین؛ صاحب یوفون بالنذر؛ آفتاب انما؛ قره العین لعمرگ؛ نازش روح الامین؛ آسمان عز و تمکین؛ آفتاب داد و دین؛ مفتی هر چار دفتر؛ خواجه هر هشت خلد؛ داور هر شش جهت؛ عالم علم سلونی؛ شهسوار لوکشف؛ ناصر حق؛ نفس پیغمبر؛ مقصد تنزیل بلخ؛ مرکز اسرار غیب؛ مطلع یتلوه شاهد؛ مقطع حبل المتین؛ امام المتقین؛ آفتاب دین و دولت؛ عروة الوثقای دین؛ آفتاب آسمان دین؛ والی ملک ولایت؛ حاکم دارالسلام؛ مبطل بنیاد بدعت؛ منشی احکام وحی؛ حاکم دین و شریعت؛ دافع کفر و

ظلام؛ قسیم جنت؛ کننده در فولاد خیبر؛ وصی احمد مرسل؛ خجسته شوهر زهرا؛ ماه معانی؛ سماطانداز نطعمکم؛ مهتر همایون فر؛ شه والاتقدم؛ امام زخمزن؛ پیشوای اهل دین.

در مجموع درباره شخصیت شاعری و اشعار حسن کاشی می توان گفت که او با بینش خاص خود که «اعتقاد به ولایت اهل بیت (ع) و ترویج اندیشه آنان و دفاع از حقایق ایشان است، زبان شعری و ادبی ویژه ای را برگزیده است؛ زبانی که صرفی و مستقیم است. زیرا هدف شاعر ابلاغ پیام و دفاع است، اما از تصاویر شعری و خلاقیت های لطیف خالی نیست. شاعر فاضل است و بدین جهت تعداد فراوانی از آیات قرآن، احادیث نبوی، قصص و اخبار، داستان های ایران باستان، مثل ها و استدلال های کلامی سرمایه سخن او قرار می گیرند. نوع تخیلات شاعر ساده است و اغلب مشبه ها یا مشبه به ها، ترکیبات قرآنی و حدیثی است که در شأن امیرالمؤمنین است، ترکیباتی مانند: «باغ هل اتی، تاجدار لا فتی، قاضی شش جهت، کلاه انما، ملک لا فتی، مملکت لو کشف». زیرا شاعر هنر خویش را در خدمت یک موضوع عقیدتی قرار داده است. در عین حال با نگاهی به ترکیبات زیبایی که در دیوان او وجود دارد (حدود 300 ترکیب بلاغی)، می بینیم که تصویرها زنده، پویا و متحرک است. همچنین شاعر با استفاده از رنگ ها، تحرک و زیبایی خاصی به شعرش بخشیده است. دیوان کاشی نشان دهنده پشتوانه فکری و فرهنگی غنی و والای شاعر است که این فرهنگ غنی و والایی چشمگیر را می توان در احاطه او به فرهنگ قرآنی و حدیثی و کلامی مشاهده نمود. حسن کاشی، شاعری توانا در سبک عراقی است که با پیروی از شاعرانی چون سنایی و خاقانی، استواری و استحکام ویژه ای نیز به اشعارش داده است و هر جا که از شاعران پیشین پیروی کرده، رنگ سبک خراسانی یا سبک شعر قرن ششم در آن دیده می شود.

### نتیجه گیری

با وجود غلبه شاعران اهل تسنن در قرن هفتم و هشتم هجری، شعر شیعی و مدح و منقبت امامان شیعه (ع) مورد عنایت برخی از شاعران، از جمله حسن کاشی بوده است. وی با وجود گرمی بازار مدح و ستایش پادشاهان و امیران، صرفاً به ستایش رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان، بویژه امیرالمؤمنین، حضرت علی (ع) پرداخته است. او با بهره گیری از طبع نیرومند و به کار بردن صور خیال و ترکیبات زبانی خاص و زیبا، به مهم ترین مضامین شیعی، در اشعار خویش توجه نموده که شعر وی را به مثابه ابزار و رسانه ای قوی برای ترویج و تبلیغ مذهب تشیع در آورده است. با نظر به این امر، در بررسی مضامین شیعی در اشعار حسن کاشی به این نکته دست می یابیم که وی در عرصه شعر شیعی بسیار قدرتمندانه عمل کرده و می توان او را از دیدگاه

حجم گستردهٔ سروده‌هایش، بزرگ‌ترین شاعر شیعی قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قلمداد کرد. از نظر هنر شاعری نیز گرچه همپای بزرگان نامدار شعر فارسی قرار نمی‌گیرد، اما زبانی روان، فصیح و توانا دارد. اشعار او سرشار از تصاویر شعری است؛ تصویرهایی که در خدمت مذهب و اعتقاد شاعر قرار دارد. شعر او پر از تلمیح است و این تلمیحات یکی از ویژگی‌های بارز سبکی در شعر اوست. از نظر محتوایی، اشعار کاشی مجموعه‌ای از اعتقادات کلامی است که با پشتوانهٔ احادیث نبوی و استدلال‌های عقلی و نقلی، شاعر را در ترویج مذهب شیعه و عقیدهٔ استوار خویش یاری کرده است. طبعاً چنین موضوعی بیش‌تر از هر چیز، از قرآن و حدیث مایه گرفته است.

### منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی (1383): ترجمهٔ کامل اقبال الاعمال؛ ترجمهٔ محمد روحی، قم: سماء قلم.
- احمدی بیرجندی، احمد (1380)؛ جلوه‌های ولایت در شعر فارسی، ج 1، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حداد عادل، غلامعلی (1389): «حسن کاشی؛ شاعر شیعی قرن هفتم و هشتم»؛ آینهٔ پژوهش، شمارهٔ 121.
- سبحانی، جعفر (1389): منشور عقاید امامیه؛ ج 6، قم: مؤسسهٔ امام صادق.
- شمیسا، سیروس (1388): سبک شناسی شعر، تهران: نشر میترا.
- صفه، ذبیح الله (1378): تاریخ ادبیات در ایران؛ ج 3، بخش 2، ج 12، تهران: فردوس.
- طبرسی، احمد بن علی (1425ق)؛ الاحتجاج؛ قم: مکتبه الحیدریه.
- طوسی، محمد بن حسن (1414ق)؛ الامالی؛ تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه؛ قم: دارالثقافه.
- کاشی، حسن (1382)؛ برگزیدهٔ اشعار؛ به کوشش علی اصغر شاطری؛ ج 1، کاشان: مرسل.
- \_\_\_\_\_؛ تاریخ محمدی (1377)؛ به کوشش رسول جعفریان؛ ج 1، قم: کتابخانهٔ تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- \_\_\_\_\_؛ دیوان (1388)؛ به تصحیح سید عباس رستاخیز؛ ج 1، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1363)؛ الکافی؛ به تصحیح علی اکبر غفاری؛ ج 4، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (1403 ق)؛ بحارالانوار؛ به تصحیح محمد باقر بهبودی؛ ج 3، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مصاحب، غلامحسین (1387)؛ دایرة المعارف فارسی؛ ج 2، بخش 1، ج 5، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- مکارم شیرازی، ناصر (1379)؛ اعتقاد ما (شرح فشرده‌ای از عقاید شیعهٔ امامیه)؛ ج 3، قم: نسل جوان.
- هندی، سعید (1388)؛ هفت‌بند هفتاد بند؛ ج 1، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.